



## Relationship between Religious Beliefs and Emotional Intelligence in University Students

### ARTICLE INFO

#### Article Type

Research Article

#### Authors

Karimi F.\* PhD,

### ABSTRACT

**Aims** The characteristic which are defined by emotional intelligence can be fertilized by religion. These characteristics can be taught and learned. The present study was done to investigate the significant correlation between religiosity and emotional intelligence among college students

**Methods** This descriptive-correlative study was performed on 551 Governmental, Payam-e-Noor and Azad university students of Rasht City in 2011-12 by multistage cluster sampling method. Data were collected using two questionnaires; Emotional Intelligence with four components of "optimism", "understand own and others emotions", "control of feelings" and "social skills" and the Sharifi's religious beliefs growth. Data were analyzed using SPSS 16 software and independent T and Pearson correlation tests..

**Results** Significant correlation was not observed between the mean of "religious beliefs growth" ( $88.41 \pm 17.90$ ) and "emotional intelligence" ( $52.39 \pm 9.07$ ) ( $p=0.139$ ;  $r=0.063$ ). But the difference between the scores of male and female students in religious beliefs and the emotional intelligence was significant and it was higher in girls.

**Conclusion** There is no positive correlation between religiosity and emotional intelligence of university students.

**Keywords** Religious Beliefs; Emotional Intelligence; Students; University

\* Educational Sciences Department, Literature & Human Sciences Faculty, Gilan University, Rasht, Iran

#### Correspondence

Address: The Sociocultural Deputy of the University, the Central Organization of the University, Gilan University Complex, 6th kilometer of Tehran Road, Gilan  
Phone: +981316690274  
Fax: +981316690484  
fatemeh.karimi223@gmail.com

#### Article History

Received: June 17, 2013  
Accepted: November 29, 2013  
ePublished: May 25, 2014

### CITATION LINKS

[1] intelligence, why it can matter more than IQ ... [2] The Adaptive Design of the Human Psyche ... [3] Emotional intelligence ... [4] The nature of human and its higher needs in point of Victor Frankel ... [5] The relationship between emotional intelligence and effective delegation ... [6] Transformational leadership and emotional intelligence ... [7] The relationship between religious attitudes and psychological health in girl students in Isfahan ... [8] Increasing Emotional Intelligence through Trainings ... [9] Religiosity and mental health ... [10] Religiosity and mental health ... [11] The spread of psychological research in religious domain ... [12] symptoms and religious orientation ... [13] The subjective importance of being religious and its effect in health and moral ... [14] A study of religious situation and emotional intelligence in pre-university students ... [15] Construction and standardization of belief scale for high school students ... [16] studying the relationship between religious orientation ... [17] Cultural consideration in assessment and treatment ... [18] Study of religious attitude and individual and social adjustment ... [19] Roots, motives and patterns in children personal behavior ... [20] Emotional intelligence and self-actualization ... [21] emotional intelligence and moral theory ...

پیش‌آمد وضعیت دشوار، پیش از آنکه غیرقابل کنترل شود، جلوگیری کنند [۴].

گلمن با مطرح‌ساختن پژوهش‌های فوق‌العاده‌ای که در زمینه مغز و رفتار انجام شده است نشان می‌دهد که عوامل دیگری غیر از هوش روانی (IQ) موجب می‌شوند افرادی که هوشبهر روانی بالایی دارند در زندگی موفقیت‌چندانی نداشته باشند. اما کسانی که هوش متوسطی دارند، در مسیر موفقیت قرار بگیرند. این عوامل جنبه دیگری از هوشمندی را تشکیل می‌دهد که گلمن آن را هوش هیجانی می‌نامد [۱]. هوش هیجانی دسته‌ای از توانایی‌ها و مهارت‌های غیرشناختی است که توانایی موفقیت فرد را در مقابله با فشارها و اقتضاهای محیطی افزایش می‌دهد. هوش هیجانی مجموعه‌ای از توانایی‌هایی است که به افراد امکان می‌دهد هیجانات و احساسات خود و دیگران را درک نموده و نسبت به جهان اطراف آگاهی پیدا کنند و یاد بگیرند مسایل را حل نمایند [۵]. بنابراین، توانایی شخص برای سازگاری و چالش با مسایل زندگی، عملکرد منسجم قابلیت‌های هیجانی و منطقی، توانایی اداره خود و رابطه با دیگران، همگی به هوش هیجانی بستگی دارد که می‌تواند از طریق آموزش و یادگیری در فراگیران ایجاد شود [۶]. از نظر گلمن، هوش هیجانی شامل خود آگاهی، کنترل استرس، پشتکار، علاقه‌مندی، مهارت اجتماعی و همدلی با دیگران است [۱].

ویژگی‌هایی همچون تحمل استرس، انعطاف‌پذیری، مسئولیت‌پذیری و پشتکار که با هوش هیجانی تعریف می‌شوند، همگی در باورهای دینی مورد تأکید قرار گرفته و می‌تواند توسط دین بارور شود. ویلیام جیمز اعتقاد دارد که بدون شک، ایمان موثرترین درمان اضطراب است. ایمان نیرویی است که باید برای کمک به انسان در زندگی وجود داشته باشد. فقدان ایمان زنگ خطری است که شکست را در برابر سختی‌های زندگی هشدار می‌دهد [۴]. دین می‌تواند در احساس نزدیک‌بودن با دیگران، آرامش هیجانی، فرصت خودشکوفایی، احساس راحتی، مهارت استرس و نیز حل مشکلات موثر باشد. هیچ فرهنگی در گذشته یافت نمی‌شود که دین به معنای وسیع در آن جایی نداشته باشد و به نظر نمی‌رسد که در آینده نیز فرهنگی غیر از دین بتواند دارای این گستردگی باشد [۷].

دین‌داری یک انگیزه روانی است که ریشه در فطرت و سرشت انسان دارد. دین نیازی دقیق و همگانی بشر بوده و به همین دلیل است که روان‌شناسی دین یکی از مباحث مهم حوزه روان‌شناسی تلقی می‌شود [۸]. به گفته فرونکل بنیان‌گذار مکتب معنی‌درمانی، احساس مذهبی عمیق ریشه‌دار در اعماق ضمیر همه انسان‌ها وجود دارد [۴]. باور به اینکه خدایی هست که موقعیت‌ها را کنترل می‌کند و مسئول عبادت‌کننده‌هاست تا حد زیادی اضطراب مرتبط با موقعیت را کاهش می‌دهد، به طوری که اغلب افراد مومن، ارتباط

فاطمه کریمی \* PhD

گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

### چکیده

**اهداف:** ویژگی‌هایی که با هوش هیجانی تعریف می‌شود می‌تواند توسط دین بارور شود. این ویژگی‌ها قابل آموزش و یادگیری هستند. پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه معنی‌داری اعتقادات دینی و هوش هیجانی در بین دانشجویان دانشگاه انجام شد.

**روش‌ها:** این پژوهش توصیفی-همبستگی در ۵۵۱ دانشجوی دانشگاه‌های (دولتی، پیام نور و آزاد) شهر رشت در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ با روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شد. گردآوری داده‌ها با استفاده از دو پرسش‌نامه شامل هوش هیجانی با چهار مولفه "خوش‌بینی"، "درک عواطف خود و دیگران"، "کنترل عواطف" و "مهارت‌های اجتماعی" و پرسش‌نامه رشد اعتقادات دینی شریفی انجام شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS 16 و آزمون T مستقل و همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**یافته‌ها:** همبستگی معنی‌داری بین میانگین امتیازات "اعتقادات دینی" (۸۸/۴۱±۱۷/۹۰) و "هوش هیجانی" (۵۲/۳۹±۹/۰۷) مشاهده نشد ( $p=0/۱۳۹$ ;  $r=0/۰۶۳$ ). اما اختلاف امتیازات دانشجویان دختر و پسر در زمینه اعتقادات دینی و هوش هیجانی معنی‌دار و در دانشجویان دختر بیشتر بود.

**نتیجه‌گیری:** بین اعتقادات دینی و هوش هیجانی دانشجویان همبستگی مثبتی وجود ندارد.

**کلیدواژه‌ها:** اعتقادات دینی؛ هوش هیجانی؛ دانشجویان؛ دانشگاه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۳/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۸/۰۸

\* نویسنده مسئول: fatemeh.karimi223@gmail.com

### مقدمه

علی‌رغم دیدگاه‌های اولیه در مورد هوش، نگاه واقع‌بینانه به ماهیت انسان نشان می‌دهد که انسان نه منطبق صرف است و نه هیجان صرف، بلکه ترکیبی از هر دو است [۱]. همه ما به تجربه می‌دانیم که هنگام تصمیم‌گیری و عمل، احساسات به همان اندازه و گاهی بیشتر از تفکر اهمیت می‌یابند [۲]. *سالوی* و *مایر* معتقدند که ما نمی‌توانیم هیجانات خود را سرکوب کنیم، زیرا هر احساس و هیجانی ارزش و پیام خاص خود را دارد و وظیفه ما کنترل آنهاست، به نحوی که بتوانیم میان تفکر و هیجان توازن برقرار کنیم [۳]. با درک هیجانات و احساسات به صورت ماهرانه، می‌توان با مشکلات فعلی مقابله نمود و از مشکلات بعدی اجتناب کرد. استفاده از مهارت‌های هوش هیجانی (EQ) افراد را قادر می‌سازد که از

زندگی سازگاری بیشتری از خود نشان می‌دهند و انعطاف‌پذیرترند و مسایل را بهتر حل می‌کنند و نسبت به زنان خوشبین‌ترند [۱۱]. در نمره کلی هوش هیجانی میان دو جنس تفاوت معنی‌داری وجود ندارد، اما تفاوت میان دو جنس در خرده‌مقیاس‌های خودآگاهی هیجانی، همدلی، روابط میان فردی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی دیده می‌شود و در دختران بیشتر است. همچنین در خرده‌مقیاس‌های قاطعیت، عزت نفس، استقلال رای، انعطاف‌پذیری، تحمل فشار عصبی و خوش‌بینی شاهد وضعیت پسران بهتر است. اما در خرده‌مقیاس‌های خودشکوفایی، کنترل استرس و شادکامی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. در مجموع، دختران در مقایسه با پسران گرایش بیشتری به ارزش‌های مذهبی دارند [۱۴].

با توجه به نتایج پژوهش‌های انجام‌شده و نیز تاکید آیات قرآن مبنی بر اینکه افراد پای‌بند به اعتقادات دینی، دارای توانایی مقابله با مشکلات و قابلیت‌های تنش‌زدایی روانی هستند و این توانایی‌ها عمدتاً از ویژگی‌های هوش هیجانی محسوب می‌شود، از این رو پژوهش حاضر درصدد بررسی رابطه بین اعتقادات دینی و هوش هیجانی در دانشجویان بود.

## روش‌ها

پژوهش توصیفی-همبستگی حاضر در دانشجویان دانشگاه‌های (دولتی، پیام نور و آزاد) شهر رشت در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ انجام شد. حجم نمونه به کمک جدول مورگان ۵۴۵ نفر محاسبه و نمونه‌گیری با روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شد. ابتدا از میان همه دانشگاه‌های شهر رشت ۳ دانشگاه به صورت تصادفی انتخاب شد. سپس از میان دانشکده‌های هر دانشگاه ۲ دانشکده به صورت تصادفی انتخاب شد. پرسش‌نامه‌ها بین ۶۰۰ دانشجو توزیع (۱۰۰ پرسش‌نامه در هر دانشکده) و در پایان، ۵۵۱ پرسش‌نامه جمع‌آوری شد.

گردآوری داده‌ها با استفاده از دو پرسش‌نامه "هوش هیجانی" [۱۴] و "رشد اعتقادات دینی" [۱۵] انجام شد. در پرسش‌نامه ۳۰ سئوالی "هوش هیجانی" پتر/بیز و فارنهایم [۱۴]، با تحلیل عاملی داده‌ها چهار مولفه "خوش‌بینی"، "درک عواطف خود و دیگران"، "کنترل عواطف" و "مهارت‌های اجتماعی" معرفی شده است. پاسخ‌ها در قالب طیف ۷ درجه‌ای از "کاملاً مخالفم" (۱ نمره) تا "کاملاً موافقم" (۷ نمره) طراحی شد. در این پرسش‌نامه پاسخ صحیح و غلط وجود نداشت و گویه‌های ۲، ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۱۸، ۲۲، ۲۵، ۲۶، ۲۸، به‌طور معکوس نمره‌گذاری شدند. روایی پرسش‌نامه براساس همسانی درونی ۰/۸۶ و پایایی آن به شیوه آلفای کرونباخ ۰/۸۱ محاسبه شده است [۱۶].

در پرسش‌نامه ۵۱ سئوالی "رشد اعتقادات دینی" شریفی [۱۵]، پاسخ‌ها در قالب طیف ۴ درجه‌ای از "کاملاً مخالفم" (۱ نمره) تا "کاملاً موافقم" (۴ نمره) طراحی شدند. ضریب پایایی پرسش‌نامه

خود را با خداوند مانند ارتباط با یک دوست بسیار صمیمی توصیف می‌کنند و معتقدند که می‌توان از طریق اتکا و توسل به خداوند اثر موقعیت‌های غیرقابل کنترل را به طریقی کنترل کرد [۵]. باورها و رفتارهایی از قبیل توکل، صبر، دعا و زیارت می‌تواند به ایجاد امید به نگرش‌های مثبت در فرد و آرامش روانی کمک کند [۷]. با مراجعه به آیات قرآن می‌توان شیوه‌های باروری مولفه‌های هوش هیجانی از جمله پذیرش درد و رنج (بلد/۳) را به سهولت دریافت. درپیش‌گرفتن روش خودسازی مبنی بر اینکه برخی از مشکلات ناشی از خود فرد است و باید در رفع آن کوشید (شورا/۳۰)؛ با یاد خدا و به دنبال آرامش بودن (توبه/۱۰۳)؛ روی آوردن به عوامل کاهنده تنش از جمله نماز (بقره/۴۵)؛ ذکر خدا (رعد/۲۸)؛ توکل (نمل/۷۹)؛ توبه (هود/۵۲)؛ و دعا و نیایش (بقره/۲۵) از جمله مصادیقی هستند که می‌توانند توانایی‌های انسان را در کنار آمدن با مشکلات بارور سازند و در نتیجه بهداشت روانی انسان را تامین کنند.

در سال‌های اخیر روان‌شناسان، به دین به‌عنوان نیروی خارق‌العاده‌ای که به انسان قدرت معنوی می‌بخشد و او را در برابر سختی‌ها و شداید حفظ کرده و از اضطراب و نگرانی دور می‌سازد، نگریند و این بیشتر بدان خاطر بوده است که پژوهش‌های تجربی نیز از رفتارهای مذهبی و افزایش سلامت روان حمایت می‌کنند [۸]. گلمن اجزای هوش هیجانی را خودآگاهی، خودنظم‌دهی، انگیزه، همدلی و مهارت‌های اجتماعی می‌داند [۱]. بین کارکرد روابط اجتماعی و نگرش مذهبی رابطه معنی‌داری وجود دارد. یعنی هرچه میزان دین‌داری بیشتر باشد، کارکرد روابط اجتماعی نیز بالاتر است [۷]. پژوهش برگین [۹]، هکنی و سنلرز [۱۰] خلدیاری‌فرد و همکاران [۱۱] نشان می‌دهند که یکی از عوامل کاهنده تنش‌های زندگی، باورهای دینی است. دین نوعی احساس فراطبیعی به شخص می‌دهد که بدون تردید تاثیر مثبت روان‌شناختی دارد [۱۲]. /تجلی عنوان می‌کند که اعمال و مناسک مذهبی در کاهش اضطراب و تنبذگی و افزایش توانایی فرد در مهار محیط موثر هستند و ایمان به خداوند در دوره‌های دشوار و تحمل ناپذیر از جمله رویارویی با بیماری‌های سخت به انسان آرامش می‌بخشد [۱۳].

پژوهش سالاری نشان می‌دهد که در نمره کلی هوش هیجانی میان زنان و مردان تفاوتی وجود ندارد. براساس این مطالعه، در مهارت‌های بین‌فردی، زنان قوی‌تر از مردان هستند و در مقابل، مردان توانایی درون‌فردی بالاتری دارند و در مقابله با فشار قوی‌تر و دارای سازگاری‌پذیری بیشتری هستند. در زمینه اعتقادات میان دختران و پسران تفاوتی وجود ندارد، ولی در بعد مناسک دینی، دختران بیش از پسران به مناسک دینی پای‌بند هستند [۸]. زنان نسبت به مردان آگاهی بیشتری از هیجانات دارند. در مقابل، مردان عزت نفس و استقلال رای بیشتری دارند و در مقابل دشواری‌های

اختلاف امتیازات دانشجویان دختر و پسر در زمینه اعتقادات دینی و هوش هیجانی معنی‌دار و در دانشجویان دختر بیشتر بود (جدول ۱).

### بحث

در پژوهش حاضر که با هدف بررسی همبستگی بین اعتقادات دینی و هوش هیجانی دانشجویان انجام شد، بین اعتقادات دینی و هوش هیجانی دانشجویان به‌طور کلی رابطه معنی‌داری وجود نداشت که این نتیجه با یافته‌های کجیاف [۷، رستمی [۱۴] که نشان می‌دهد نگرش‌های مذهبی بر سازگاری فردی و اجتماعی دانش‌آموزان تأثیر معنی‌داری دارد [۱۶]، همسو نیست. بخشی از این تفاوت می‌تواند ناشی از تفاوت شرکت‌کننده‌ها باشد، زیرا در پژوهش‌های فوق شرکت‌کننده‌ها دانش‌آموز و در پژوهش حاضر، دانشجو بوده‌اند و به‌نظر می‌رسد که میزان دین‌داری دانش‌آموزان متفاوت از دانشجویان باشد. باورهای مذهبی در سنین نوجوانی به حداکثر می‌رسد تا حدی که نوجوان به عبادت و راز و نیاز کردن با خدا گرایش پیدا می‌کند. لوکوف و همکاران نشان داده‌اند که نوجوانان در سنین ۱۵-۱۲ سالگی اعتقادات مذهبی بیشتری دارند و در ۱۸ سالگی این اعتقادات کاهش می‌یابد [۱۷] و از طرف دیگر، دانشجویان هنگام ورود به دانشگاه هم‌زمان با بالا رفتن سطح علمی و جست‌وجو برای یافتن فلسفه زندگی نسبت به ارزش‌ها و اعتقادات خود در زمینه‌های گوناگون بازنگری می‌کنند.

عقاید مذهبی که در مقاطع مختلف تحصیلی قبل از آموزش عالی به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود، احتمال دارد دانش‌آموزان به‌طور نظری آموزه‌های دینی را بپذیرند اما از آن‌جا که این آموزه‌ها در آنها درونی نشده است نمی‌تواند در آنها منشا باروری هوش هیجانی و بروز مولفه‌های آن در دوره‌های بعدی (دانشجویی) که همواره باورهای دینی در سطح دانشگاه به چالش کشیده و با تبلیغات تعارض علم و دین مواجه می‌شوند موثر باشد. آنچه که می‌تواند در امتداد تبیین این تفاوت مطرح شود، ماهیت فکری و فلسفی است که بیشتر دانشجویان در طول تحصیل خود با آنها درگیرند. در چنین مباحثی برای بیشتر دانشجویان ممکن است شبهاتی مطرح شود که در نهایت نتوانند جواب قانع‌کننده‌ای برای آنها بیابند. این امر می‌تواند به‌صورت یک گشتالت ناقص عمل کند و حوزه اعتقادی و فکری آنها را تا حدی تحت تأثیر قرار دهد [۱۸]. از همین رو، به‌رغم معتقدبودن دانشجویان به باورهای مذهبی، نمی‌توان شاهد همبستگی مثبت بین باورهای مذهبی و مولفه‌های هوش هیجانی در دانشجویان بود.

در رابطه با تفاوت هوش هیجانی و باورهای دینی دانشجویان زن و مرد، آزمون T مستقل، معنی‌داری تفاوت هوش هیجانی و اعتقادات دینی را در دانشجویان دختر و پسر نشان داد. این نتیجه در مورد عقاید مذهبی با پژوهش‌های رستمی [۱۴] و سهرابی [۱۸] هم‌خوانی دارد. تقریباً همه دانشجویان دارای باورهای مذهبی

۰/۹۱ محاسبه شد. روایی محتوایی پرسش‌ها با نظرخواهی از ۱۰ نفر از متخصصان مورد بررسی و بیش از ۷۵٪ گویه‌ها مورد تأیید قرار گرفت [۱۷].

با مراجعه به دانشگاه‌های منتخب شهر رشت، پرسش‌نامه‌ها در اختیار دانشجویان شرکت‌کننده قرار گرفت. پرسش‌نامه‌ها به‌صورت فردی تکمیل شد و از آن‌جا که تکمیل آن نیازمند دقت و وقت زیادی بود، روز بعد برای دریافت پرسش‌نامه‌های تکمیل‌شده مراجعه شد.

داده‌ها به کمک نرم افزار SPSS 16 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. رابطه بین اعتقادات دینی و هوش هیجانی دانشجویان با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رابطه هوش هیجانی و مولفه‌های آن و همچنین اعتقادات دینی بین دانشجویان دختر و پسر با استفاده از آزمون T مستقل بررسی شد.

### نتایج

۳۳۳ نفر (۶۰/۴٪) از نمونه‌ها دختر و ۲۱۸ نفر (۳۹/۶٪) پسر بودند. همبستگی معنی‌داری بین میانگین امتیازات "اعتقادات دینی" (۸۸/۴۱±۱۷/۹۰) و "هوش هیجانی" (۵۲/۳۹±۹/۰۷) مشاهده نشد (۳=۰/۰۶۳؛  $p=0/139$ )، با این وجود، همبستگی معنی‌داری بین اعتقادات دینی و برخی مولفه‌های هوش هیجانی همچون درک عواطف (۳=۰/۰۳؛  $p=0/024$ ) و کنترل عواطف (۳=۰/۰۲۴؛  $p=0/003$ ) و مهارت‌های اجتماعی (۳=۰/۰۰۳؛  $p=0/079$ ) وجود داشت و تنها با مولفه خوش‌بینی رابطه معنی‌داری وجود نداشت.

جدول ۱) میانگین امتیاز دانشجویان پسر و دختر در اعتقادات دینی و هوش هیجانی و مولفه‌های آن (آزمون T مستقل)

شاخص	میانگین	آماره t	سطح معنی‌داری
اعتقادات دینی	دختر	۹۰/۳۱±۱۵/۱۶	۰/۰۱۶
	پسر	۸۶/۱۲±۲۱/۹۹	
هوش هیجانی	دختر	۵۳/۳۷±۹/۸۳	۰/۰۱
	پسر	۵۱/۳۰±۸/۷۵	
خوش‌بینی	دختر	۱۲/۵۷±۲/۹۶	۰/۰۰۱
	پسر	۱۱/۹۴±۲/۴۷	
درک عواطف خود و دیگران	دختر	۱۸/۰۵±۴/۵۰	۰/۰۷۱
	پسر	۱۷/۴۲±۳/۶۲	
کنترل عواطف	دختر	۱۲/۶۲±۲/۸۰	۰/۰۴۸
	پسر	۱۲/۱۶±۲/۶۴	
مهارت‌های اجتماعی	دختر	۱۰/۰۶±۲/۴۲	۰/۲۷۲
	پسر	۹/۸۴±۲/۱۶	

فرهنگی برای زنان و مردان، ضعف مردان در مهارت‌های میان فردی به‌ویژه در حوزه درک عواطف و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، احتمالاً بیانگر این نکته است که جامعه سیزی در مردان با فراوانی بیشتری نسبت به زنان مشاهده می‌شود [۱۶].

در کنترل عواطف از مولفه‌های هوش هیجانی در بین دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری وجود نداشت. نتایج این پژوهش با پژوهش رستمی [۱۴] ناهم‌سوست. از آن جا که سازه هوش هیجانی آموختنی و اکتسابی است [۷] و با توجه به نتیجه پژوهش حاضر، می‌توان استدلال کرد که دانشجویان دختر و پسر بر اثر آموزش و اکتساب، کنترل عواطف را به یکسان ارتقا داده‌اند. در سال‌های اخیر تفاوت‌های جنسیتی کاهش پیدا کرده و علت آن را باید در علایق فرهنگی مشترک، تغییرات اجتماعی، مراحل اجتماعی شدن، تغییر بافت‌های فرهنگی و ایجاد فرصت‌های مساوی برای هر دو جنس در نظر گرفت [۲۱].

نظر به اینکه جامعه ما جامعه دینی است، ممکن است وجود دانشجویانی که اعتقادات دینی نداشته ولی حاضر نباشند نگرش قلبی و واقعی خود را روی کاغذ منعکس کنند، نتایج پژوهش را مخدوش کند که این موضوع می‌تواند از محدودیت‌های پژوهش حاضر به حساب آید.

پژوهش حاضر نشان داد که اعتقادات دینی پیش‌بینی‌کننده خوبی برای هوش هیجانی دانشجویان نیست و این نتیجه تاییدکننده عدم وجود رابطه بین اعتقادات دینی و هوش هیجانی دانشجویان است. از آن جا که آموزش مسایل مذهبی و اصول اخلاقی روشی در آموزش هوش هیجانی به دانشجویان است و زندگی بهتر را برای آنان به بار می‌آورد، پیشنهاد می‌شود در دروس معارف اسلامی، بر آموزش مولفه‌های هوش هیجانی تاکید ویژه‌ای مبذول شود.

### نتیجه‌گیری

بین اعتقادات دینی و هوش هیجانی دانشجویان همبستگی مثبتی وجود ندارد و میانگین امتیاز در دختران در هر دو شاخص بیشتر است.

**تشکر و قدردانی:** از معاونت پژوهشی دانشگاه گیلان برای تصویب طرح پژوهشی و همه دانشجویانی که پرسش‌نامه‌های طرح تحقیق را تکمیل نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم.

**تاییدیه اخلاقی:** موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

**تعارض منافع:** موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

**منابع مالی:** از طرف معاونت پژوهشی دانشگاه گیلان تامین شده است.

هستند ولی اینکه چرا دختران در مقایسه با پسران مذهبی‌ترند، آن است که مذهب فرمان‌ها و دستوراتی دارد که دارای جنبه‌های اخلاقی و تربیتی است و این موارد با نقش زنان به عنوان مادر و مربی هم‌خوانی بیشتری دارد و بخشی از این تفاوت نیز به روش‌های گوناگون اجتماعی‌شدن دختران و پسران مربوط می‌شود. تعامل عوامل فرهنگی و اجتماعی، انگیزه‌ها و نیازهای متفاوت دختران و پسران و محدودیت نقش دختران در ایفای مسئولیت‌های اجتماعی، می‌تواند از دیگر علل این تفاوت باشد. از دلایل احتمالی دیگر می‌توان ارتباط بیشتر دختران با مادران یا اعمال روش‌های تربیتی متفاوت والدین با فرزندان دختر و پسر را ذکر کرد. مثلاً اعمال محدودیت بیشتر و یا تربیت سنتی درمورد دختران در مقایسه با آزادی بیشتر برای پسران و یا بالاتر بودن کارآمدی مربیان زن در مقایسه با مربیان مرد برای تربیت دینی، سبب به‌وجودآمدن این تفاوت در میان پسران و دختران شده است. دانشجویان دختر در مقایسه با دانشجویان پسر مذهبی‌ترند [۱۸]. در مجموع، این امر می‌تواند ناشی از تفاوت شکوفایی باورها و اعتقادات دینی در دختران و پسران باشد. یعنی از یک طرف جامعه از زنان و دختران انتظار دارد که براساس سنت‌ها رفتار و عمل نمایند و از طرف دیگر الگوپذیری دختران از مادران یک روند طبیعی است. از این رو شکوفایی مولفه‌های دینداری در دختران بیشتر از پسران است [۱۴]. در بُعد درک عواطف به‌عنوان یکی از مولفه‌های هوش هیجانی، بین دختران و پسران دانشجو تفاوت معنی‌داری وجود داشت. درک عواطف، همدلی را به بار می‌آورد. از نظر روان‌شناسان رشدنگر، کودکان حتی قبل از اینکه بدانند واقعاً جدا از دیگران وجود خارجی دارند، ناراحتی دیگران را احساس می‌کنند. آنها وقتی که اشک کودک دیگر را ببینند اشک می‌ریزند ولی با وجود این، تفاوت‌هایی بین دختران و پسران در درک و بروز عواطف وجود دارد. زمانی که در بازی، کسی آسیب ببیند تفاوت عمده‌ای بین دخترها و پسرها مشاهده می‌شود. اگر پسری آسیب‌دیده باشد از او انتظار می‌رود از بازی کنار رود و دست از گریه‌کردن بردارد تا آنکه بازی ادامه پیدا کند، ولی اگر همین اتفاق در میان دختران که مشغول بازی هستند رخ دهد، بازی متوقف می‌شود و همه اطراف دختری که گریه می‌کند جمع می‌شوند و سعی می‌کنند به او کمک و با او همدلی کنند [۱۹]. زنان نسبت به مردان، آگاهی بیشتری از هیجانات دارند و همدلی بیشتری نشان می‌دهند. روابط میان فردی بهتر و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتری دارند. در نقطه مقابل، مردان عزت نفس و استقلال رای بیشتری دارند و درمقابل دشواری‌های زندگی از خود سازگاری بیشتری نشان می‌دهند و انعطاف‌پذیرترند و مسایل را بهتر حل می‌کنند. تقریباً در تمام نمونه‌های جمعیتی که هوشبهر هیجانی آنان تا به امروز در گوشه و کنار جهان مورد ارزشیابی قرار گرفته این تفاوت مشاهده شده است [۲۰]. طبق یافته‌های انجمن روان‌پزشکی آمریکا با وجود شرایط یکسان

## منابع

- Thought Behav. 2001;6(4):45-53. [Persian]
- 12- Maltby J, Day L. Depressive symptoms and religious orientation: Examining the relationship between religiosity and depression within the context of other correlates of depression. *Personal Individ Dif.* 2000;28:383-93. [Persian]
- 13- Atchley RC. The subjective importance of being religious and its effect in health and moral. *J Aging.* 1997;11(2):131-41.
- 14- Rostami N. A study of religious situation and emotional intelligence in pre-university students. *Q Educ Innov.* 2005;3(10):16-28. [Persian]
- 15- Sharifi HP, Maanavipoor D.. Construction and standardization of belief scale for high school students. *Q Educ Innov.* 2004;9(3):120-37. [Persian]
- 16- Jenaabadi H. studying the relationship between religious orientation and job satisfaction of employees in saravan's offices. *J Educ Instruc Stud World.* 2013;3(4):9-14. [Persian]
- 17- Lukoff D, Lu FG, Turner R. Cultural consideration in assessment and treatment of religious and spiritual problems. *Psychiatr Clin North Am.* 1995;18(3):23-34.
- 18- Sohrabian TA. Study of religious attitude and individual and social adjustment in high schools students in Lorestan province [Dissertation]. Tehran: Alzahra University; 2001. [Persian]
- 19- Radke-Yarrow M, Zahn-Waxler C. Roots, motives and patterns in children personal behavior. *Dev Mainten Prosocial Behav.* 1984;Springer US:81-99.
- 20- Bar-On R. Emotional intelligence and self-actualization. Emotional intelligence in everyday life: A scientific inquiry; 2001. 82-97.
- 21- Williamson DM. emotional intelligence and moral theory: A Kantian approach [Dissertation]. Nashville, Tennessee: Faculty of the Graduate School of Vanderbilt University 2009.
- 1- Goleman D. Emotional intelligence, why it can matter more than IQ. Oxford: Oxford University Press; 2001.
- 2- Slavin MO, Kriegman D. The Adaptive Design of the Human Psyche: Psychoanalysis, Evolutionary Biology, and the Therapeutic Process. New York: Guilford Press; 1992.
- 3- Salovey P, Mayer JD. Emotional intelligence. *Imag Cogn Personal.* 1990;9:185-211.
- 4- Hasani T. The nature of human and its higher needs in point of Victor Frankel. *Biannual J Psychol Islamic Stud.* 2009;3(12):96-110. [Persian]
- 5- Ganjeh Khosravi B, Manafi M, Hojabri R, Haj Aghapour A, Ghesmi R. The relationship between emotional intelligence and effective delegation. *Inter J Bus Soc Sci.* 2011;2(19):223-35. [Persian]
- 6- Barling J, Salter F, Kelloway K. Transformational leadership and emotional intelligence: an exploratory study. *Leadership Organ Develop J.* 2000;21:61-157.
- 7- Kajbaf MB, Reyees Pour H. The relationship between religious attitudes and psychological health in girl students in Isfahan. *Biannual J Islam Psychol Stud.* 2009;2(2):116-27. [Persian]
- 8- Schutte NS, Malouff JM, Thorsteinsson EB. Increasing Emotional Intelligence through Training: Current Status and Future Directions. *Inter J Emot Educ.* 2013;5(1):56-72.
- 9- Bergin AE. Religiosity and mental health: A critical reevaluation and meta-analysis. *Prof Psychol Res Pract.* 1983;14(2):170-84.
- 10- Hackney CH, Sanders GS. Religiosity and mental health: A meta-analysis of recent studies. *J Sci Stud Religion.* 2003;42(1):43-55.
- 11- Khodayarifard M, Ghobari Benab B, Shakoohi Yekta M. The spread of psychological research in religious domain. Q

